

در همه شهر یک مسلمان نبود



دکتر رحیمی پور
ارشدی



در شمار پیشرو بحث
نخست مقاله استاد
رحیمی پور از غدی را درباره
دکتر علی شریعتی خواندیم
اینک بخش تکمیلی این
مقاله که از سوی نویسنده
محتره ارسال شده است را
با هم می‌خوانیم.

هریک از دو نوازه روشنفکر و دینی‌نژادی مایهومی جعلی شده است؛ باید دانست که با لحاظ مسمی حقیقی و از روشنفکر، روشنفکر به کسی گفته می‌شود که فکرش با اثر و روشنفکر از دیگران است و خیز و تاز فکرش بیشتر از طبقات معمولی است و روشنفکر دینی به کسی گفته می‌شود که همه ابعاد و ارزش‌های دین را می‌شناسد و بر پایه شناختش لحظه به لحظه رشد دینی دارد و مسردم را به بالا می‌کشند نمونه‌ای که شعاعی شناسید، چمران است که در همه ابعاد دینی پیشرو بود و نمونه کفتر، رهبر انقلاب است. خامنه‌ای، که اضافه بر این‌ها در بعد فقهات هم حالا به جایی رسیده است که فقیه بزرگوار مسیحا بوده، حقیقت‌شناس می‌فرماید: اینک من خاندان‌های را اعلام می‌دهم؛ لیکن در اصطلاح جعلی و تحریفی این دو نوازه روشنفکر به کسی گفته می‌شود که خودبخود فرهنگ غروب باشند و چون طوطی در قفس استعمار غرب همان‌هایی را بگوید که صاحب قفس به او القا می‌کند کسی که نه زمان خود را درک می‌کند و نه شناختی از وظائف روز دارد، بلکه خود را هم نمی‌شناسد و چون سیمونی به اشاره چوب میمون‌پن می‌رصد، چیزی شبیه همین روشنفکران دوم خردادی که اینک به غرب گریخته و آشکار ساختند که نه فکری دارند و نه دینی و نمونه نهایی روشنفکری‌اش این که به اجبار از کشور و مرزهای بگریزد و پنداری‌اش به این که دینی را که به پیغمبر آخر الزمان برای همه انسان‌های روی زمین تا آخرین لحظات زندگی این جهانی بشر آورده است به قنای کفر و بی‌جهل خود در پی بلزسازی‌اش باشد. اکنون که در فقه مذهب حقیقی و از دعا و معاصی تحریفی ضد یکدیگر است، قضاوت من در مورد دکتر شریعتی این که «هر شهر جو او یکی و آن هم کافر پس در همه شهر یک مسلمان نبوده» کدام روشنفکر دینی توانسته است در شرایط حاکمیت طغیانت جولان را دوباره جلبد دین کند؟ کدام معلم دینی توانسته است در دوران فحشای دامن‌گیر، با یک سخنرانی غیرمستقیم درباره حجب، در لحظه دختران دینی زوب پوش را شلوار پوش کند و اگر شلوار پوشان صید صیاد دیگری شدند، ربطی به فرهنگ دگر نداشته. چه کسی دوباره جولان الهامی و خودباخته را که از خواندن نماز شرم می‌کردند به نماز جماعت واداشت؟ چه کسی درباره حج آن‌هایی را که دکتر نوشته است به زبان با قلم آورده؟ چه کسی پس از امام، پیرسون ولی و حکومت اسلامی گرچه با واژه‌های دیگری، پیرسون ساختار حکومت اسلامی و امام است کتاب

نوشته است در این صورت آیا معقول است که ما چنین اسامی را از گروه کر و کور و بی‌دین برداریم و او را با غم‌سپان مفهوم اصطلاح انحرافی روشنفکر دینی موه‌خانه نوازیم؟ چه کسی جز امام و باران فکشت‌شمارش از طبقه روحانیت به جز شریعتی چنان حرکت اجتماعی را ایجاد کرده است، چه کسی آن چنین فلسفه مارکسیسم و لیبرالیسم را به لجن کشید و تکنوکرات‌ها را خمدان کتاب شناسند و روشنفکری چون میرزا ملکچیان و نقی‌زاده را افشا ساخت و بوی از روشنفکری دینی را فرید اما اگر می‌خواهید بگویید آراه و عقاید و آثار دکتر شریعتی می‌توانست حرکتی چون حرکتی که امام فرمود ایجاد کند. با ساختن یک کلام اما اگر تیغ جراحی را به دست من نویسنده بدهند من هم می‌توانم چون جراحی حائق عمه سرطانی را از دیون کاسه سرطلان‌های مبرون کشم؛ در این صورت با این که می‌دانم از صفر اسلام تا به امروز هزاران فقه متورع و دلسور هم نتوانستند خلعه‌ای را که خمسی آفرید، بکار بینند این چه پنداری است که ما از کسی که طلب بر کتاب اسلام‌شناسی‌اش نقد می‌نویسد چنین توقعی را داشته باشیم. به گفته پسر دکتر صبح پیامبر و هیچ امامی چنین فرصتی را نیافتند و چنین شانس وامتی را نداشتند تا چه رسد به دکتر، حرکت دکتر حرکتی ایزداری نبود و دکتر برای این انقلاب روشنفکری خامنه‌ای و چنانچه بیشتر نوشتن به گفته رهبر انقلاب این انقلاب هم روشنفکر جامعه‌شناسی چون دکتر لازم داشت و هم مرزبان و اسلام‌شناسی چون مطهری را نسی سن یا دکتر به مجالله پرداختم، پندش پس از روشن دکتر به سن گفتند من انتقالات به حق مطهری را شنیدم عمده آن‌ها در هشت مهره است، ولی خودم چهارده اشکال بر آثار او گرفتارم و او به سادگی می‌گوید من که ادعای عصمت نکرده، هر جا که نظمی می‌بینم، بنویسم، بفرماید و فرستش را بنویسم و سوز خدا را شاهد می‌گیرم او بارها چنین اظهار نظری را به سادگی آشکار می‌ساخت و گواه چنین روحیه‌ای نماند و کالت بی‌چون چیز و درست و سربست برای اصلاح نوشتارش به محمدرضا حکیمی و در این صورت آثار دکتر آن چنان نیست که ما و پرايش مطهری هم قابل اصلاح نباشد.

به من گفتند چند روزی به نوشتارش پرداخته، لیکن تا گه‌ای به این جا رسیدم که در این فرصت کمی که تلفی و تصنیف کتاب احیاء را به همه گرفته، چنین مجوز شرعی ندارم که بخواهم نوشتار دکتر بردارم، از این رو اعلام داشتیم به جای این که من همه آثار دکتر را بخوانم و درباره آن‌ها اظهار نظر کنم مستفاد اشکال‌های کتاب شریعتی را جمع‌آوری و به من بدهد تا درباره آن‌ها اظهار نظر کنم و تا امروز چنین قدمتی از طرف منتقدان نشد.

آنرا دکتر از جهت استناد به منابع دینی ضعیف نیست، روزی خدمت میرزا حسود آقاچه‌رانی

آن فقیه منگلم و عارف بر فرهنگ اسلام و مذهب‌مان بوده و شخصی سخت بر دکتر می‌ناشت و میرزا به روشنگری او می‌پرداخت پس از رفتنش به میرزا عرض کردم چرا اینان این همه بر دکتر می‌تازند ایشان فرمودند برای این که دکتر به دستشان بماند می‌دهند بروید کتاب اسلام‌شناسی او را بخوانید و ببینید ایشان از چه کسانی حدیث نقل می‌کند، از انیس بن فیس مرود اما دفاع استاد از دکتر چنین بود: دکتر تصمیم به نوشتن کتبی گرفته بود که از عهده چند فقیه هم بر نیامد و برای نوشتن کتاب اسلام‌شناسی می‌رفته است توی کتبخانه‌های فرانسه که بیشترین کتاب آن‌ها را نویسندگان اهل سنت است، مدارکی را برای اظهار نظرش جمع‌آوری می‌کرده از این روایت که برخی از نقل قول‌هایش به حق پیش‌اهل حدیث و رجال نه تنها ضعیف و گاهی برخلاف فرهنگ شیعه هم هستند و من هر گاه بر او انتقاد می‌کردم می‌گفت این کتاب یک اثر اسلام‌شناسی و تز دانشگاهی است اگر خواستم پیرامون مذهب شیعه چیزی بنویسم نکات مور نظر متکلمین و فقهایی شیعه را بر آنم می‌کنم، لیکن از نظر من هم این جویش قطع کننده حوزة نیست زیرا او خود را یک شیعه نه مسلمان اشکالتی به جامعه‌شناسانده بود.

دوران افسردگی اظهار نظر حلی آن‌ها به پابل می‌رسد، لیکن دوران دین آخر الزمان پابلان پذیر نیست این که ایندولوی ریشخار و پندارین یعنی ایندولوی‌هایی که از اینان الهی گرفته می‌شود تا مسخ و انتظاری نگرند پابلان پندار نیستند چه اگر ایندولوی‌های شیعه‌ها به رفت و آمد افراد و گذشت زمان پابلان پذیر باشند در فرهنگ ما هم حجت روی حجت نمی‌ماند بنابراین آنچه از آثار دکتر شریعتی بر پایه ارزش‌های اصیل اسلامی باشد همیشه پایدار و آنچه متأثر از زمان و گذشته دیگران است جزئی نگردد که به معنای مکتب مارکسیسم و لیبرالیسم منقاد گردد. مشکل دکتر شریعتی هم به مانند بسیاری از بزرگان فرهنگ‌مان همین است: پرونده برخی از تفاسیر بزرگترین معسول پیشین را بخوانید و ببینید آن‌ها که خوب استند به داری دانش روز به اسلام خدمت کنند اینک چه سواهایی به بل می‌آورند از این روایت که فقیه می‌گوید هر ارزشی را بر پایه کتاب خدا و سنت‌های اسلامی بنشانید و با دانش زودگذر روز نشناسید زیرا قواعد دین برای همیشه از آنه شده است، ولی دانش بشر لحظه به لحظه رو به تکامل است تکرار می‌کند آن چه از آثار دکتر بر پایه مکتب و سنت‌های همیشه بر طریقت اسلامی است هیچ‌گاه از رده خارج نمی‌شود و چنین آثاری از شریعتی هرگز به پابلان نمی‌رسد، لیکن آن چه بر پایه دانش روز بشر ارائه شده است، به گذشت زمان رنگ باخته است و دوران کاربرتش به پابلان می‌رسند و در پابلان سختم از همگان می‌خواهم الهامه معزلانی روشنفکر دینی علی و آن چه در مقابل ارتجاع و کفر و نقاط گفته است را همیشه زنده دارید و طی را به نقاط ضعف نوشتاری‌اش از صحنه خارج نسازید. هر اشکالی را که به نظر من می‌رسد جمع‌آوری و به حکمی و با انچه دیگری ارائه دهید و اگر مرد میدان هستید بزرگترین خدمت این است که مسردم می‌بنویسد و دگر بار بار انقلاب و محبوب جولان را همه حربه به جامعه برگردانید.